

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Prevention of Child Victimization in Cyber Sexual Crimes

1. Nikfar Kiani: PhD Law Student, Department of Law, Isfahan(Khorasgan)Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
2. Masoud Heydari*: Associate Professor, Department of Crime and Criminology, Isfahan (Khorasgan)branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: Masoud_heidari2@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Mohamadreza Shadmanfar: Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran

ABSTRACT

The prevention of child victimization in cyberspace is the subject addressed in this article. The issue of crime prevention has permeated all levels of society, and one of the most significant areas is crime prevention in cyberspace. Traditionally, prevention has been divided into situational and social categories. Both models of prevention may be applicable to child victimization in cyberspace. Since threats in the virtual space lead many children astray and can be considered one of the most significant factors endangering their individual and social well-being, we first examine the risk factors and then discuss situational methods for preventing child victimization in cyberspace.

Keywords: *Prevention, Situational Prevention, Victimized Children, Cyberspace*

How to cite: Kiani, N., Heydari, M., & Shadmanfar, M. (2024). Prevention of Child Victimization in Cyber Sexual Crimes. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(3), 45-59.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 28 April 2024
Revise Date: 03 June 2024
Accept Date: 15 June 2024
Publish Date: 30 June 2024



پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست

پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال در جرایم جنسی در فضای سایبر

1. نیکفر کیانی: دانشجوی دکتری رشته حقوق، گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
2. مسعود حیدری: دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. پست الکترونیک: Masoud_heidari2@yahoo.com (نویسنده مسئول)
3. محمدرضا شادمان‌فر: استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر موضوعی است که در این مقاله بدان پرداخته شده است. مقوله پیشگیری از جرم به تمامی سطوح جامعه کشیده شده و یکی از مهمترین این عرصه‌ها پیشگیری از جرم در فضای سایبر می‌باشد. در یک تقسیم بندی سنتی پیشگیری را به وضعی و اجتماعی تقسیم بندی کرده‌اند. امکان استفاده از هر دو مدل پیشگیری در خصوص بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر ممکن است. از آنجا که تهدیدهای موجود در فضای مجازی بسیاری از کودکان را به بیراهه می‌کشد و می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین عوامل تهدید کننده حیات فردی و اجتماعی آنها محسوب شود از این رو در ابتدا عوامل تهدید کننده را مورد بررسی قرار می‌دهیم و پس از آن به شیوه‌های وضعی پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر اشاره خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: پیشگیری، پیشگیری وضعی، کودکان بزه‌دیده، فضای سایبر.

نحوه استناددهی: کیانی، نیکفر، حیدری، مسعود، و شادمان‌فر، محمدرضا. (1403). پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال در جرایم جنسی در فضای سایبر. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، 6(3)، 45-59.

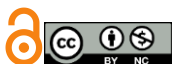
© 1403 تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۶ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۰ تیر ۱۴۰۳



جهان امروز وسایل ارتباط جمعی نظیر روزنامه، تلویزیون، کامپیوتر، موبایل و... با انتقال اطلاعات و معلومات جدید و مبادله افکار و عقاید عمومی در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری نقش بزرگی را به عهده گرفته‌اند. به طوری که بسیاری از دانشمندان، عصر کنونی را عصر ارتباطات نام گذاشته‌اند. پیچیدگی‌ها وضع زندگی اجتماعی، وابستگی‌ها و همبستگی‌های ملی و بین‌المللی، ناامنی‌ها و بحران‌ها، تحول نظام‌های سیاسی و اجتماعی، دگرگونی مبانی فرهنگی، بیداری وجدان اجتماعی و... همه و همه از جمله عواملی هستند که روز به روز نیاز انسان به وسایل ارتباط جمعی و توسعه اقتصادی و تحکیم مبانی دموکراسی و تفاهم بین‌المللی را میسر ساخته‌است؛ اما در این میان به هر میزان که انسان سعی در رهایی از مشکلات و آسان شدن کارها دارد به همان میزان نیز بر دامنه مشکلات و گرفتاری‌های وی افزوده شده است چرا که معمولا هدایای بزرگ هزینه‌های گزافی نیز دارند. یکی از مسائل مهم که به حوزه ارتباطات و فضای سایبر مربوط می‌شود بزه‌دیدگی اطفال در این فضا می‌باشد (Ameli, 2016).

پیشگیری از جرم چند دهه‌ای است که به یکی از موضوعات مهم در عرصه جرم‌شناسی تبدیل شده‌است. این موضوع را می‌توان حتی در آثار مدون کنترل جرم که در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایی اعمال می‌شود، ملاحظه کرد. امروزه نظام‌های حقوقی کشورهای پیشرفته پیشگیری از جرم را به عنوان رویکردی بهینه و موثر در مقابل تدابیری مانند اشکال متنوع نظارت و اجرای عدالت کیفری به رسمیت شناخته و در قالب برنامه‌های متنوع اجرا می‌نمایند. در حقیقت می‌توان گفت امروزه سیاست پیشگیری از جرم، بیش از گذشته با تغییرات اجتماعی همراه بوده‌است؛ این سیاست در شناسایی انواع مختلف تدابیر موجود برای بررسی جرم، نقش مهمی را ایفا می‌کند (Razavi, 2020).

بزه‌دیدگی کودکان از جمله آسیب‌های اجتماعی است که نه تنها تعداد زیادی از کودکان را که سرمایه‌های آینده جامعه هستند، در معرض انواع آسیب‌ها قرار داده بلکه جامعه را از این نظر که معمولا بزه‌دیده‌گان امروز، بزه‌کاران فردا هستند با زبان‌های زیادی روبرو ساخته‌است. افزایش نرخ بزه‌دیدگی کودکان با توجه به اثرات سوء آن بر روح و روان کودک از یک سو و تهدید جامعه از طریق ایجاد احساس ناامنی ارائه ساز و کارهایی را برای مهار و پیشگیری از این پدیده ضروری می‌سازد. پیشگیری کنشی در صدد آن است که با کاهش موقعیت‌های جرم‌زا از طریق آموزش و ارائه خدمات، شناسایی کودکان در معرض خطر و حمایت از آن‌ها، کاستن از شیوع آثار و مدت بزه‌دیدگی، از بزه‌دیدگی آن‌ها جلوگیری کند. پیشگیری واکنشی از طریق تدوین قوانین و مقررات در جهت پیشگیری عام و خاص، ایجاد بینش حمایتی از کودک بزه‌دیده، در بخش‌های نظام عدالت کیفری، یعنی مراجع تحقیق و تعقیب و دادرسی و خلاصه مراجع اجرای احکام، در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی کودک گام بر می‌دارد؛ اما کلیه این روش‌ها باید در فضای سایبر و با توجه به ابزارهای خاص خود انجام شود. در واقع از آنجا که ارتکاب جرم در فضای سایبر با ابزارهای خاص خود اتفاق می‌افتد، پیشگیری از آن نیز باید به همین شیوه انجام شود. در ذیل به بحث تحلیلی راجع به این موضوع خواهیم پرداخت.

جرایم جنسی

جرائم جنسی در بین گروه جرائم پرتکرار قرار دارند و بخش زیادی از توجه رسانه‌ها، دغدغه‌های عمومی و برنامه‌ریزی‌های سیاسی را به خود معطوف می‌کنند. جرائم مشتمل بر عنصر رابطه جنسی طیف گسترده‌ای از اشکال به رسمیت شناخته‌شده را شامل می‌شوند: تجاوز، اشکال مختلف آزار جنسی (بدون تجاوز)، جرائم جنسی در محیط خانواده (محارم)، سوءاستفاده جنسی از کودکان، فحاشی با محتوای جنسی، برقراری رابطه احساسی و عاطفی با کودکان برای مقاصد جنسی، دخول غیرقانونی (به‌عنوان مثال در ازدواج یا رابطه با افراد زیر سن قانونی)،

قاچاق افراد با مقاصد جنسی و فحشاء. در سال 2002 تا 2003 قریب به پنجاه هزار جرم جنسی توسط پلیس بریتانیا ثبت شده است. از این مقدار در حدود ۵۰ درصد جرائم جنسی بر ضد زنان و در حدود 4 درصد جرائم جنسی بر ضد کودکان بوده‌اند. جرائم جنسی حجم بسیار اندکی از جرائم ثبت شده توسط پلیس را تشکیل می‌دهند و تنها هشت‌دهم درصد از جرائم ثبت شده در بازه زمانی مذکور را تشکیل می‌دهند. به هر روی، باید در نظر داشته باشیم که در وهله اول، مطالعات مرتبط با قربانیان و مطالعات خودگزارشی مؤید سطوح بالای جرائم جنسی گزارش نشده هستند؛ به صورتی که ارقام واقعی شاید بسیار بالاتر باشند. در وهله دوم، درحالی که جرائم جنسی تنها درصد کمی از کل جرائم را به خود اختصاص می‌دهند، باید به خاطر داشته باشیم که شدت این جرائم، بسیار بیشتر از جرائم خردی است که درصدهای بیشتری در آمار را به خود اختصاص می‌دهند (Abed Khurasani, 2020; Mahdavi, 2021).

چارچوب قانونی مرتبط و چگونگی نظارت بر جرائم جنسی دارای سابقه طولانی و درعین حال پیچیده‌ای است که به میزان زیادی انعکاس‌دهنده تغییرات اجتماعی و فرهنگی در فهم جنسیت و تمایلات جنسی است. به‌عنوان مثال، با ظهور جنبش فمینیسم، سیستم عدالت کیفری مجبور شد تا جرائم جنسی علیه زنان را به صورت جدی‌تری بررسی کند. دانشگاهیان و مبارزان فمینیست بحث نمودند که زنان قربانی تجاوز، هیچ‌گاه در طول تاریخ به درستی مورد حمایت سیستم عدالت کیفری قرار نگرفتند. زنان قربانی، تمایلی برای گزارش تجاوز جنسی نداشتند؛ چراکه باور عمومی این بود که اعتراف به وقوع چنین جرائمی، مایه شرمساری و بدنامی است. زمانی که زنان، چنین جرائمی را گزارش می‌کردند، اغلب با کلیشه‌های جنسی مواجه می‌شدند که زنان را به دلیل پوشش نامناسب یا رفتار تحریک‌آمیز مسئول تجاوز به خودشان تلقی می‌کردند. همچنین پلیس، میلی برای مداخله در درگیری‌هایی که خانگی خوانده می‌شدند نداشت و ترجیح می‌داد به جای مداخله رسمی، مشکل توسط افراد ذی‌نفع و به صورت خصوصی حل و فصل شود. این رویه ادامه داشت تا اینکه در سال 1994، تجاوز در ازدواج به جرمی کیفری تبدیل شد و اعتراف دیر هنگامی بود به این موضوع که اکثر آزارهای جنسی علیه زنان نه توسط افراد غریبه بلکه توسط اعضای خانواده انجام شده‌اند (Carey & Sanders, 2019).

حوزه دیگری که در طول زمان تغییر قابل توجهی کرده است، پاسخ به جرائم جنسی علیه کودکان است. باید به این نکته اذعان نمود که درک کودکان و دوران کودکی، موضوعی جهانی و بدون تغییر نیست. تقسیم‌بندی خاصی که در دوران معاصر از کودکان به‌عنوان موردی متفاوت و متمایز از جمعیت بزرگسال وجود دارد، پدیده نسبتاً جدیدی است. در قرن نوزدهم، با وجود آمدن دیدگاه جدیدی در مورد کودکان به‌عنوان یک گروه اجتماعی آسیب‌پذیر منحصر به فرد، تلاش‌هایی برای حمایت قانونی از آن‌ها در برابر استثمار جنسی صورت گرفت. این مسئله عمده‌تاً به دلیل تلاش‌های روزنامه‌نگاری بود که تن‌فروشی کودکان در عصر ویکتوریا را عمومی کرد. به‌رغم این اصلاحات، غفلت گسترده‌ای نسبت به جرائم جنسی «پشت درهای بسته» وجود داشت که توسط والدین، مسئولان یتیم‌خانه‌ها، معلمان مدارس و کشیشان کلیسا انجام می‌شدند. در دهه‌های اخیر، تلاش‌های زیادی برای رسواکردن و تعقیب کیفری مجرمان جنسی جرائم مرتبط با کودکان انجام شده است. توجه، به‌ویژه بر ربایندگان و سوءاستفاده‌کنندگان از کودکان، اشخاص درگیر در تولید و مصرف هرزه‌نگاری کودکان و اشخاصی است که کودکان را به لحاظ عاطفی و احساسی درگیر نموده و از آن‌ها در فضای اینترنت یا جهان واقعی سوءاستفاده جنسی می‌کنند. برخی جرم‌شناسان در مورد به‌راه‌افتادن موجی از اعتراض‌های سیاسی و عمومی اغراق‌آمیز هشدار داده‌اند. در موارد این‌چنینی هراس اخلاقی ایجاد شده ممکن است بر اساس مدارک و شواهد ناکافی افرادی را به‌عنوان مظنون و محکوم معرفی کنند. در وهله دوم، آن‌ها به این مسئله اشاره نموده‌اند که دستور کار قانونگذاری و اجرای قانون به میزان زیادی مبتنی بر ترس از خطرهایی است که از جانب افراد غریبه کودکان را تهدید می‌کنند؛ اما حقیقتی که وجود دارد

این است که همانند قربانیان جنسی بزرگسال، بزرگ‌ترین تهدید جنسی پیش روی کودکان عمدتاً از سوی افراد خانواده و نزدیکانشان است. تمرکز بر سوءاستفاده‌کنندگان اینترنتی و افرادی که در اطراف مدارس پرسه می‌زنند، نمی‌تواند کار چندانی برای حفاظت کودکان از خطر سوءاستفاده خانگی انجام دهد (Shami, 2013).

انواع بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر

بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر گونه‌های مختلفی دارد که یکی از آن موارد سوء استفاده و رد و بدل کردن تصاویر مستهجن آن‌ها می‌باشد. پدوفیلی، پورنوگرافی و... از موارد دیگری است که بدان اشاره خواهد شد.

رد و بدل کردن تصاویر مستهجن کودکان

استفاده از تصاویر مبتذل کودکان به دو صورت توسط کودک آزاران انجام می‌شود. شکل اول به این صورت است که اطفال را مجبور لخت شدن و بدن‌نمایی و ارائه تصاویر عریان می‌کنند. گاهی از طریق وب کم این تصاویر ضبط شده و بعدها از آن سوء استفاده می‌گردد. عکس‌های عریان کودکان نیز سرنوشتی بهتر از این نخواهد داشت. در مواردی نیز کودک تصاویر خود را به صورت عکس یا فیلم به دلایل مختلف برای کودک آزار ارسال می‌کند. این تصاویر ویژگی خاصی ندارند ولی بعدها توسط سیستم‌های رایانه‌ای تبدیل به عکس‌های عریان شده و باعث اذیت و آزار کودک می‌شود.

برخی از کشورها مانند سنگاپور با این مسئله به صورت جدی برخورد نمی‌کنند اما برخی دیگر مانند انگلیس استفاده از کودک در تصاویر مستهجن را جرم انگاری کرده‌اند (Shami, 2013). در این کشور قانون حمایت از کودکان مصوب 1978 توزیع، نمایش یا انتشار هر نوع تصویر موهن از یک کودک یا هر آنچه که شبیه کودک است را جرم تلقی نموده است (Carey & Sanders, 2019). همچنین بر اساس ماده 240 قانون جزای برزیل فردی که به تولید یا مدیریت اجرای تئاتر، شوی تلویزیونی یا فیلم دارای صحنه‌های جنسی آشکار پردازد که کودک یا نوجوانی در آن شرکت دارد به حبس از یک تا چهار سال و پرداخت جزای نقدی محکوم می‌شود.

پدوفیلی

پدوفیلی یا بچه‌بازی امروزه به عنوان زشت‌ترین، فجیع‌ترین و جنجالی‌ترین مسائل مربوط به حقوق جزا به خصوص در جرایم علیه اطفال مطرح می‌گردد. پدوفیلی از ریشه «pedophilia» در حقوق روم و از دو کلمه «pedo» در معنای بچه و «philia» به معنی دوست داشتن یا عشق ورزیدن از زبان لاتین نشأت گرفته است و در اصطلاح حقوقی به سوء استفاده جنسی از اطفال تلقی می‌گردد (Noori, 2020). این عمل یک نوع بیماری جنسی است که افراد مبتلا به آن کودکان را مورد تجاوز قرار می‌دهند، چنین کودکانی در سنین بزرگسالی با مشکلات و ناسازگاریهای زیادی روبرو می‌شوند که بر روابط اجتماعی آن‌ها اثر نامطلوب خواهد گذاشت. در کشور ما جرم پدوفیلی که به بچه‌بازی شهرت یافته است از طریق آزار و اذیت کودکان و نوجوانان با استفاده از دختران و پسران و با هتک حرمت و حیثیت آنان صورت می‌گیرد؛ اما آنچه در این میان دارای اهمیت است شناخت این جرم و حمایت از بزه‌دیده‌گان آن است که در ایجاد و تداوم یک جامعه سالم از ضروریات می‌باشد.

در ایران همان‌طور که در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین حمایتی از اطفال آمده جرم پدوفیلی یا بچه‌بازی به طور مستقیم و با این عناوین مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است و در قالب لواط و اذیت و آزار کودکان و این قبیل مسائل می‌توان این جرم را مورد بررسی و

مذاقه قرار داد. در مورد این جرم علاوه بر آنکه در قوانین اسمی از آن به میان نیامده تدابیر حمایتی خاصی هم برای کودک در این زمینه به چشم نمی خورد و خلاء قانونی بارزی در این زمینه وجود دارد که باید جبران گردد.

اما همان طور که می دانیم در ایران با تصویب قوانین و مقررات بین المللی، آن قانون حکم قانون داخلی را مطابق ماده 9 قانون مدنی پیدا می کند.¹ دولت جمهوری اسلامی ایران نیز با پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک 1989 به طور عام از کودک در برابر این جرم حمایت کرده است.

مطابق ماده 34 کنوانسیون حقوق کودک:

کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می شوند که از کودکان در برابر تمام اشکال سوء استفاده و استثمارهای جنسی حمایت کنند. بدین منظور کشورهای فوق خصوصاً در قالب اقدامات ملی دو و چند جانبه جلوگیری از موارد زیر را به عمل می آورند:

الف- تشویق یا وادار نمودن کودکان برای درگیری در هر گونه فعالیت های جنسی

ب- استفاده استثماری از کودکان در فاحشه گری و سایر اعمال غیر قانونی جنسی

ج- استفاده استثماری از کودکان در اعمال و مطالب پورنوگرافیک

بنابراین با توجه به مطالب یاد شده مشخص گردید که حمایت قانونی خاصی از کودکان موضوع جرم پدوفیلی با توجه به عدم ذکری از آن در قوانین و مقررات موضوعه به چشم نمی خورد، اما با توجه به پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق کودک 1989 و در حکم قانون داخلی تلقی شدن آن می توان از پذیرش و قبول حمایت عام در مقابل پدوفیلی سخن گفت (Iravaniyan, 2020).

شکل جدید این پدیده که به اصطلاح به پدوفیلی در جرایم سایبری معروف شده از طریق اینترنت و در فضای مجازی سایبر اتفاق می افتد.

پورنوگرافی

از پورنوگرافی کودکان به عنوان مظهر سوء استفاده جنسی یاد می شود. در میان جرایم اینترنتی مربوط به کودکان هیچ کدام به اندازه رواج تصاویر هرزه نگاری کودکان در اینترنت نگران کننده نیست. با وجود اینکه گسترش اینترنت در سال های اخیر در افزایش موارد هرزه نگاری کودکان اثر گذار بوده است، اما هرزه نگاری کودکان چیز جدیدی نیست و مورخان مواردی از کودک آزاری و سوء استفاده از کودکان را در دوره ویکتوریا شناسایی کرده اند. هرزه نگاری کودکان به عنوان تصاویر و فیلم ها و در برخی موارد نوشته های جنسی صریح یا ضمنی در مورد افرادی که به سن قانونی نرسیده اند و درگیر یک فعالیت جنسی هستند تعریف شده است. هرزه نگاری کودکان به شکل های گوناگونی مانند عکس، نوشته و سایر پیام های مکتوب، نقاشی، تصاویر دست کاری شده دیجیتالی، ویدیویی یا سایر رسانه ها از کودکان درگیر در فعالیت جنسی وجود دارد (Ameli, 2016).

جدید ترین شکل سوء استفاده از کودکان در فعالیت های مجرمانه جنسی به کار گیری فناوری مدرن در انتشار تصاویر مستهجن و زشت کودکان است. پورنوگرافی کودکان که به سبب فن آوری های جدید روز به روز مظاهر فریبنده تری می یابد و سلطه، استیلاء و خودکامگی را عاشقانه جلوه داده تبعیت و بی اردادگی انفعالی و فرمانبرداری و زیردست بودن زن را طبیعی جلوه می دهد و نیز تجاوز، ضرب و شتم، آزار رسانی جنسی، فحشاء و سوء استفاده جنسی از زنان و کودکان را با جاذبه جنسی به نمایش می گذارد و به این گونه اعمال زشت و شرم آور مشروعیت می بخشند.

¹ مطابق ماده 9 قانون مدنی: «مقررات عهدی که بر طبق قانون بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.»

اما در مورد حمایت‌های صورت گرفته در اسناد و نهادهای بین‌المللی از کودکان در برابر این رابطه می‌توان به اعلامیه ژنو 1924 اشاره کرد که در این باره مقرر می‌دارد:

«کودک باید در موقعیتی قرار داده شود که زندگی شادابی داشته باشد و از هر نوع سوء استفاده ایمن باشد.»

اما مهمتر از همه می‌توان به رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزه نوجوانان در موارد 43 و 53 اشاره کرد که منع هر گونه سوء استفاده جنسی از کودکان و وضع و اجرای قوانین برای پیشگیری از بزه‌دیده شدن کودکان را در اعمال پورنوگرافیک توصیه می‌کنند. همچنین ماده 19 کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد:

«کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی، روانی، روحی، آسیب‌پذیری بی‌توجه یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استثمار از جمله سوء استفاده جنسی در حینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل خواهند آورد.»

برهنه‌نمایی کودکان

با گسترش دانش فنی و پیشرفت‌های علمی، امروزه طیف تازه‌ای از جرایم با نام کلی جرایم الکترونیکی و در زمره آن‌ها جرایم مرتبط با کودکان با اشکال خاص آن روبرو هستیم. نمونه مهم آن برهنه‌نمایی کودکان است. تفاوت برهنه‌نمایی با پورنوگرافی آن است که پورنوگرافی مصادیق عام‌تری دارد و حال آنکه برهنه‌نمایی تنها مربوط به برهنه کردن کودک و اجبار وی به انجام این کار است.

فیلیپس نیوتون با مطالعه روایت‌های کسانی که در روابط اینترنتی خود در کودکی قربانی بهره‌کشی و آزار و اذیت جنسی شده‌اند به این نتیجه می‌رسد که کسانی که در اینترنت قربانی چنین روابطی هستند، این فریب و قربانی شدن در زندگی واقعی آن‌ها هم ادامه می‌یابد و ممکن است قربانی مزاحمت و بهره‌کشی جنسی شوند (Rabiei & Shaghasemi, 2016).

برای مبارزه با این مسئله در شبکه اینترنت از 29 دسامبر تا اول اکتبر سال 1999 کنفرانسی بین‌المللی تحت عنوان کنفرانس مبارزه با برهنه‌نمایی کودکان در اینترنت در شهر وین اتریش برگزار شد. قطعنامه پایانی کنفرانس متضمن نتایج زیر بود:

-مبارزه قطعی و بدون‌گذشت با برهنه‌نمایی کودکان در اینترنت

-نیاز به مشارکت جهانی میان بازیگران و گردانندگان.

در این خصوص تقویت مشارکت ملی و بین‌المللی میان دولت‌ها، صنعت اینترنت، خطوط تماس و سازمان‌های غیردولتی، نیاز به ایجاد قوانین یکسان، اجرای قانون و مقررات صنعت اینترنت، قانونگذاری از جانب دولت‌ها باید با مقررات درون سازمانی ارائه‌کنندگان خدمات اینترنتی تکمیل گردد. اجرای قانون از راه حمایت اکید از ارائه‌کنندگان خدمات اینترنتی و خطوط تماس، دولت‌ها، صنعت اینترنت و سازمان‌های غیردولتی باید برای ایجاد ظرفیت و آموزش و نیز آگاه‌سازی و توان‌بخشی کاربران اینترنت نیروهای خود را بسیج کند (Abed Khurasani, 2020).

بدن‌نمایی

بدن‌نما در اصطلاح به شخصی گفته می‌شود که لذت یا تحریک جنسی را برای خود به وسیله لخت شدن در معرض دیگران به وجود می‌آورد. «بدن‌نمایی» انحراف جنسی است که فرد منحرف با نشان دادن آلت تناسلی خود به زنان پاک‌دامن یا در مکان‌هایی که در معرض دید همسایگان و رهگذران باشد تحریک شده و به خیال خود ارضا می‌شود. این‌گونه منحرفان قبل از انجام عمل دچار هیجان و تپش قلب شده

و به خیال خود ارضا می‌شوند و پس از بدن‌نمایی در خود احساس راحتی می‌کنند. تقریباً همه بدن‌نماها مرد هستند و متاهل، اما بسیار خجالتی بوده و نمی‌توانند رابطه جنسی طبیعی با جنس مخالف داشته باشند. بدن‌نمایی، رفتاری غیر اخلاقی و غیر قانونی است و از آنجا که موجب ترس و اضطراب قربانی می‌گردد عملی نابهنجار و در زمره اختلالات محسوب می‌شود.

وضعیت نظام‌های حقوقی در برخورد با این پدیده متفاوت می‌باشد. برای مثال در نظام کامن‌لاو این عمل جرم انگاری نشده است. برای مثال در کشوری کانادا این عمل جرم نیست. دعاوی نظیر فری-فدوراک در 1950 دادگاه عالی این کشور رای داد که این عمل نباید به عنوان جرم شناخته شود؛ اما امروزه این وضعیت در کانادا تغییر کرده است. در سال 2005 میلادی بخش 162 قانون جزایی کانادا بدن‌نمایی را به عنوان یکی از انواع جرایم جنسی تلقی کرده است. این امر به خصوص به دلیل حمایت از اطفال در حقوق این کشور بوده است که به صورت بالقوه در معرض بزه‌دیدگی شدن بدن‌نمایی در محیط‌های عمومی و فضای سایبر قرار داشته‌اند (Razavi, 2020).

راهکارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر

پیشگیری وضعی از جرم

این اقدامات به صورتی طراحی شده‌اند که ارتکاب به جرم را به‌عنوان یک هدف، سخت کنند یا اینکه انگیزه برای ارتکاب به جرم را ضعیف کنند یا از بین ببرند. پیشگیری وضعی از جرم با جرم‌شناسی محیطی دارای هدف مشترکی است و آن کاهش فرصت‌های مجرمانه است؛ اما پیشگیری وضعی از جرم، توجه خود را به طیف وسیع‌تری از عوامل مؤثر معطوف کرده و از حوزه طراحی مناطق مسکونی فراتر می‌رود. اقدامات مرتبط با پیشگیری وضعی را می‌توان به چهار دسته تقسیم‌بندی نمود:

- افزایش تلاشی که برای ارتکاب به جرم لازم است (مانند نصب قفل فرمان در اتومبیل یا نصب قفل ایمنی روی درها).
- افزایش خطر مرتبط با ارتکاب به جرم (مانند نصب تگ‌های امنیتی بر روی کالاها یا ارائه طرح‌های دیده‌بان محله).
- کاهش پاداش‌های مرتبط با ارتکاب به جرم (حذف پارکومترهای سکه‌ای برای کاهش پاداش‌های مرتبط با سرقت).
- حذف توجیهات مرتبط با ارتکاب به جرم (مانند ایجاد مناطق الکل آزاد برای کاهش مستی در ملاعام).

به‌تازگی، متخصصان پیشگیری وضعی از جرم، توجه خود را به سیستم‌ها و کالاها معطوف نموده‌اند و این مسئله، باعث ایجاد فاصله بین دغدغه‌های اصلی جرم‌شناسان محیطی (فضا و زمان) و ارائه چالش‌هایی مرتبط با مأموریت کلی جرم‌شناسی محیطی شده است.

این چالش‌ها مشخصاً در تمایز و افتراق بین فضا و مکان در فعالیت‌های مجرمانه بسیار مشهود هستند. با رونق سیستم‌ها و خدمات الکترونیکی (مانند شبکه تلفن همراه و شبکه جهانی اینترنت) ارتباط بین جرم و محیط شهری در حال کاهش است. مجرمان می‌توانند جرائم را در سطح بین‌المللی، در مناطق زمانی مختلف و در شرایطی به انجام برسانند که مجرم و قربانی با هم در آنجا حضور ندارند. بازنگری طراحی مناطق شهری شاید به ایجاد مکان‌های فیزیکی مصون در مقابل جرم کمک کند؛ اما هیچ ارتباطی با ایجاد مکان‌های مجازی مصون از جرم ندارد. افزون بر این، بسیاری از جرائم به‌هیچ‌روی ارتباطی با مکان‌های خاص ندارند که از جمله می‌توان به سرقت یا خرابکاری اشاره نمود. قاچاق انسان و مواد مخدر در سطح بین‌المللی، تجارت گونه‌های در حال انقراض، تجارت مواد شیمیایی خطرناک، استفاده از خدمات مالی مشروع برای پول‌شویی عواید فعالیت‌های غیرقانونی و مواردی از این دست، قطعاً در فضاها و مکان‌های خاصی روی می‌دهند؛ اما طراحی محیط فیزیکی برای کاهش میزان آن‌ها عملاً حاصلی ندارد. درعین‌حال، واضح نیست که نقش جرم‌شناسی محیطی در پیشگیری از جرائمی چون جرم شرکتی، فرار مالیاتی، نقض گسترده و عامدانه الزامات بهداشتی و سلامتی و موارد مشابه چیست. زمانی که این مباحث مطرح می‌شوند،

واضح است که جرم‌شناسی محیطی، یک اشتباه فاحش است. همچنین در برخی ادعاهای اصلی و کانونی جرم‌شناسی محیطی، مورد حل‌نشده‌ای وجود دارد: اگر اصلاحات شهری در یک ناحیه باعث کاهش جرم در آن ناحیه می‌شود و درعین حال از انتقال جرم به ناحیه دیگر جلوگیری می‌کند، چرا با وجود گذشت دو دهه از اعمال پیشگیری‌های محیطی و وضعی، میزان جرائم همچنان سیر صعودی دارند؟ شکی نیست که برخی از انواع جرم را می‌توان در برخی مناطق و به‌واسطه اصلاحات محیطی و وضعی کاهش داد؛ اما هیچ نشانه‌ای دال بر این موضوع وجود ندارد که اصول و رویه‌های جرم‌شناسی بتوانند در مقیاس اجتماعی یا حتی جهانی مؤثر باشند.

هیچ‌یک از انتقادهای مذکور نمی‌توانند ناقض ارزش مداخلات محیطی با هدف کاهش فرصت‌های ارتکاب به جرم در سطح محلی باشند. آنچه بدیهی می‌نماید این است که جرم‌شناسی محیطی، فاقد تئوری پیوسته‌ای برای مرتبط‌نمودن جرم و محیط است. درحقیقت، کاربران این رویکرد، ممکن است تأیید کنند که ایجاد یک نظریه نظام‌مند درمورد رابطه محیط جرم در دستور کار آن‌ها قرار ندارد. رویه جرم‌شناسی محیطی در بین تمامی اهداف و مقاصد، مبتنی بر تئوری شانس و تئوری فعالیت‌های روزمره است و بر اساس این تئوری‌ها دیدگاه‌هایی را درمورد جرائم شهری تدوین نموده است. در این مسیر، جرم‌شناسی محیطی، تقریباً به‌صورت انحصاری متمرکز بر فرصت‌ها و فعالیت‌های معمول و روزمره مجرمان و قربانیان (محلی) است. فعالیت‌های معمول نهادهای مرتبط با اعمال قانون، کارآفرینان، افراد پیشرو در صنعت، سیاست‌مداران و سردبیران روزنامه‌ها در این تصویر وارد نشده‌اند. از آنجایی که محیط اجتماعی جرم شامل تمامی این موارد و موارد مشابه است، در بین دیگر متغیرهای تعیین‌کننده، شاید نیاز بیشتری به تدوین یک تئوری کلی وجود داشته باشد و این چیزی است که جرم‌شناسان محیطی اکنون متمایل به پذیرفتن آن هستند (Mirzaei, 2015).

سازوکارهای پیشگیری وضعی

تدابیر مراقبت‌کننده

نظارت شبکه‌ای شاید بیش از آنکه یک اقدام پیشگیرانه باشد، از لحاظ بازدارندگی مورد توجه قرار می‌گیرد. این اقدام می‌تواند به دو شکل فنی و انسانی مورد اجرا قرار گیرد. در حالت فنی، ابزارها یا برنامه‌هایی هستند که بر روی سیستم نصب می‌شوند و کلیه فعالیت‌های شبکه‌ای اشخاص را، حتی ضرباتی که بر روی صفحه کلیدشان زده اند را ضبط می‌کند و یا حتی می‌تواند نقاطی را که به وسیله موش واره بر روی آن زده اند را ضبط کند. سپس شخص ناظر می‌تواند با بررسی این موارد و سوابق، موارد غیرقانونی را تحت پیگرد قرار دهد. مهم‌ترین مزیت این اقدام نسبت به سایر اقدامات محدود‌کننده یا سلب‌کننده این است که در عین اثرگذاری بازدارنده که جنبه پیشگیرانه نیز تلقی می‌شود، در فعالیت کاربران خللی ایجاد نمی‌کند و از این لحاظ اشکالی به وجود نمی‌آورد، اما خود آن با ایرادات مهم حقوقی مواجه است که از حوصله این نوشتار خارج است.

مراقبت و مشاوره والدین

استفاده از راهکارهای مشاوره‌ای به خصوص در از طریق مدارس یا به پدر و مادر کودک یا خود وی حائز اهمیت است. راهنمایی در سطح مدرسه به رشد همه جانبه قابلیت‌ها و توانایی‌های دانش‌آموزان که در فرآیند رشد با آن مواجه هستند کمک می‌رساند. مشاوره و استفاده از متد آن که نقش بزرگی در پیشگیری از ارتکاب بسیاری از اعمال در اطفال دارد می‌کوشد با شناخت نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان آنان را در جهت رشد مهارت‌هایی که لازمه عملکرد مؤثر در مدرسه و اجتماع پیچیده و تکنولوژیک امروزی است یاری دهد (Navabinejad, 2015). تاسیس مراکز مشاوره‌ای می‌تواند از سوی بخش‌های مختلف یک کشور مثل نظام آموزش و پرورش، پلیس و

دستگاه قضایی باشد. به دلیل پیوند عمیق کودک با مدرسه بهتر است که آموزش و ایجاد مراکز مشاوره به صورت اجباری در دستور کار قرار گیرد.

امروزه توسعه راهکارهای مشاوره‌ای در پیشگیری از جرایم سایبری به صورت برنامه‌ای مدون و هدفمند درآمده است. بسیاری از این راهکارها را می‌توان چه در فضای سایبر و چه در خارج از آن برای افراد و گروه‌های مختلف در نظر گرفت. برای مثال باید دانست که کودکان را می‌توان پس از ورود در فضای سایبر به وسیله برنامه‌های هشدار دهنده که در برنامه‌هایی نظیر ایمیل، یاهو و... قرار داده می‌شوند تحت نظارت و کنترل برای پیشگیری از بزهدیدگی قرار داد. این راهکارهای مشاوره‌ای البته می‌توانند توسط معلمان و گروه‌های هم سن ارائه و پیشنهاد شوند.

مراقبت توسط گروه‌های هم سال

الگوهای رفتاری و ارزش‌های ارائه شده از سوی همسالان با سهولت بیشتری به درون نظام شخصیتی و فکری نوجوانان راه می‌یابد و وی این الگوها و ارزش‌ها را به عنوان الگوی برگزیده خویش می‌پذیرد، زیرا ارکان اساسی درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها که وجود اعتماد و جاذبه است در روابط همسالان بسیار قوی است. همسالان به دلیل مشابهت‌های فراوان در ابعاد مختلف سنی، جسمی و کلامی و برخورداری از سطح نگرش و تحلیل مشابه که درک متقابل را افزایش می‌دهد، از اعتماد بیشتری نسبت به بزرگسالان برخوردارند و به علاوه جاذبه گروه همسالان که ناشی از علایق و تمایلات مشابه و مشترک است بیش از سایر گروه‌هاست (Mahdavi, 2021).

گروه هم‌سالان کودک نیز می‌توانند با آموزش‌های لازم مانع بزهدیدگی کودک شوند. به باور بسیاری از روان‌شناسان می‌توان تأثیر آموزش توسط گروه هم‌سالان بسیار اثربخش‌تر از آموزش توسط گروه‌های دیگر اجتماعی بوده است. در واقع اگر کودکی واجد این صفت باشد که خود برچسب مجرمانه را به هم‌سن خود بزند با آموزش و یادگیری این مسئله خود نیز نامد و شرمسار شده و از زدن برچسب به دوست خود پرهیز می‌کند؛ بنابراین آموزش از طریق گروه‌های هم سال نیز نشان داده که می‌تواند در پیشگیری از بزهدیدگی موثر واقع شود. به گفته روانشناسان کودکان با زبان و ادبیات گروه‌های هم سن خود ارتباط بهتری برقرار می‌کنند و تبعیت و انگیزه برای آموختن کارایی بهتری خواهد داشت.

تدابیر مدرسه مدار

در کنار خانواده، مدرسه هم نهادی اجتماعی است که نزدیک‌ترین و بیشترین ارتباط را با کودک در اوایل دوران زندگی تا بزرگسالی دارد. مدرسه مشارکت و ارتباط کودک را در آن سوی خانواده توسعه می‌بخشد و امکان مشارکت کودک را در زندگی اجتماعی فراهم می‌کند. مدرسه نقش مهمی را نه صرفاً در رشد فکری کودک، بلکه هم چنین در رشد اجتماعی و عاطفی او ایجاد می‌کند. معمولاً مشارکت رفتاری کودکان با سازگاری ضعیف کودک در مدرسه، یکی می‌شوند. لذا موسسات اجتماعی و آموزشی هم در توسعه اجتماعی سالم کودکان و هم در فرصتی که آنها برای معلمان فراهم می‌کنند تا به شیوه‌ای ساده و مقدماتی کودکانی را که نیاز به مشکلات جدی دارند یاری رسانند (Taha, 2011). از آنجایی که کودکان، حساس‌ترین سال‌های عمر خود را در مدرسه سپری می‌کنند این نهاد وظایف خطیری را در آموزش مسائل مهم زندگی و ایجاد حس ارزشمندی و اعتماد به نفس در کودک و آشنا نمودن او با حقوقی که در جامعه از آنها برخوردار است، بر عهده دارد و رسیدن به این اهداف مستلزم ایجاد محیطی امن و سالم در مدرسه است. در همین زمینه وزارت بهداشت و آموزش و پرورش مالزی در سال 2002 برنامه مدرسه امن را مطرح کرد و در جهت نیل به این هدف کمیته‌ای ویژه را تشکیل داد.

مدرسه با توجه به کارکرد یادگیری و یاد دهی و وظیفه‌ای که به عنوان عامل تغییر، مسئولیت بزرگی در تاثیر گذاری بر کودک و نوجوانان در جهت اینکه خوب یا بد باشند دارد، لذا هر تلاشی باید صورت گیرد تا پویایی و تحرک این گروه گسترش یابد. معلمان باید ناظران حساسی باشند و به طور موثر، در مهار کردن کودکان ناسازگار و افراد نوجوان مداخله کنند، لذا باید در استخدام آن‌ها توجه و دقت لازم صورت گیرد. باید معلمان بتوانند دانش آموزانی را که آسیب پذیرند یا در توسعه رفتار بزهکارانه، انگیزه و تمایل دارند، به موقع شناسایی نمایند و در همان اوایل، آن‌ها را به موسسات مناسب ارجاع نمایند (Besharat & Shamsipour, 2019).

تشویق مدارس به گسترش و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه در فضای سایبر و اجرای ان برنامه‌های پیشگیرانه، از دیگر راهکارها در جهت جلوگیری از آزار و اذیت و بی توجهی نسبت به کودکان می‌باشد. برنامه‌های آموزشی چون افزایش شناخت کودکان نسبت به حقوق خود در فضای سایبر و چگونگی شناسایی رفتارهایی که در این فضای آن‌ها را از نظر جسمی و روانی در معرض خطر قرار می‌دهد و جواب منفی دادن در برابر آن‌ها و همچنین آگاه نمودن آنان در خصوص این مسئله که در صورت وقوع چنین رفتارهایی، می‌توانند به مقامات صالح در این زمینه گزارش دهند، مهارت آن‌ها را در جهت حمایت از خود در برابر موقعیت‌های خطرناک در فضای سایبر و به هنگام اتصال به شبکه جهانی اینترنت در برابر موقعیت‌های خطرناک افزایش خواهد داد. به همین منظور آموزش معلمان، مددکاران اجتماعی، روان شناسان و افرادی که به نحوی با کودکان کار می‌کنند اجتناب ناپذیر است (Irvaniyan, 2020).

بدین منظور برخی از کشورها برای پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر برخی از اقدامات را انجام داده اند. برای نمونه در کانادا، جزوات و بروشورهایی در زمینه افزایش آگاهی و شناخت و آموزش افراد فوق الذکر در برقراری ارتباط با کودکان و آگاه نمودن آن‌ها از حقوق خود در محیط سایبری و همچنین بهبود مهارت‌های این افراد در شناسایی و شیوه برخورد با کودک آزاری در فضای سایبر منتشر شده است و در سطحی وسیع در اختیار این افراد قرار می‌گیرد.

مراقبت پلیس سایبری

امروزه در سیاست جنایی تمامی کشورها، سازمان دهی اقدام‌های پیشگیرانه از سوی پلیس مورد تاکید قرار گرفته است. بر همین اساس پلیس به جز وظیفه کشف جرم و انجام اقدام‌های ابتدایی هنگام وقوع جرم، سیاست پیش گیرانه را نیز به عنوان یکی از وظایف اساسی خود شناخته و مورد عمل قرار می‌دهد. بی تردید در این میان باید گفت پیش گیری از بزه‌کاری کودکان و نوجوانان در تعامل نهادهای مختلف اجتماعی و خانواده مطرح می‌شود و برای به ثمر نشاندن هر گونه برنامه پیشگیری از بزه‌دیده اطفال باید تمامی سازمان‌های اجتماعی در سیاست گذاری و برنامه ریزی به گونه‌ای هماهنگ اقدام کنند (Seyyed Isfahani, 2011).

بر خلاف پیش گیری اجتماعی که در بر گیرنده برنامه‌های بلند مدت و عمیق است، پیش گیری پلیسی از بزه‌کاری، اقدام‌هایی موقتی اند که به یک دوره زمانی خاص از زندگی اجتماعی محدود می‌شوند. به موازات پیش گیری عمومی، امروزه اقدام‌ها به آگاهی دادن، آموزش، مشارکت و سازمان دهی کودکان و نوجوانان اختصاص دارند.

به نظر می‌رسد در فضای سایبر نیز می‌توان حضور داشت و با گشت زنی و مراقبت، مجرمان بالقوه و کودک آزارها را دستگیر کرد. به منظور انجام این امر ابزارها و روش‌های خاصی مورد نیاز است که آشنایی با آن‌ها برای ماموران گشت شبکه‌های رایانه‌ای وحد مبارزه با جرایم سایبری سازمان‌های پلیس لازم و ضروری است. گشت زنی و مراقبت از یک مظنون در فضای مجازی کار آسانی نیست و هیچ سازمان پلیسی،

هر چند قدرتمند، به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد بلکه همکاری چند بخشی دولتی و غیردولتی لازم است. در این مرحله از کار وجود تعامل و همکاری مناسب میان شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات اینترنتی اهمیت ویژه خود را نشان می‌دهد.

امروزه نرم افزارهایی قدرتمند در اختیار پلیس وجود دارد که شبیه سیستم‌های دزدگیر عمل کرده و پلیس یا مسئول امنیتی را از هر گونه تهدید قریب الوقوع علیه کودکان مطلع می‌سازد و امکان پیشگیری از این جرایم را به پلیس خواهد داد. پلیس جمهوری اسلامی ایران نیز تلاش می‌کند تا به بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات سیستم‌های پیشرفته انتظامی و امنیتی کشور، امنیت اجتماعی کودکان را بهبود بخشیده و محیطی امن و توأم با آسایش عمومی را برای کلیه اطفال در پرتو ارزش‌های اسلامی فراهم کند.

معاونت آگاهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، از سال 1378 به انحای گوناگون شروع به جمع‌آوری اطلاعاتی پیرامون جرایم سایبری کرد و در همین راستا، تحقیقی تحت عنوان شناخت جرایم سایبری توسط جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت صورت گرفت. همچنین با بهره‌گیری از نظریات کارشناسان و متخصصان شورای عالی انفورماتیک و تشکیل جلسات متعدد با صاحب نظران حقوقی و انفورماتیکی به این نتیجه رسید که تشکیل واحدهای مبارزه با جرایم سایبری ضروری است (Razavi, 2020).

نتیجه‌گیری

چنانچه گذشت پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر به یکی از ضروریات زندگی اجتماعی تبدیل شده است. این ضرورت از آنجا ناشی می‌شود که توسعه فناوری اطلاعات و ورود رایانه به زندگی خصوصی همه انسان‌ها در هر سن و رده و مقامی موجب تحولی شگرف در حیات آدمی شده است. روش‌های نوین پیشگیری از جرم که در دهه هفتاد به بعد میلادی آغاز به کار کرد امروزه سیر تحول و تکامل خود را با رویکردی‌های جدید به این مقوله در مورد پیشگیری از جرم در فضای سایبر طی می‌کند. سرعت در تحول فناوری‌های رایانه‌ای قابلیت‌های جدیدی را برای بزه‌کاران در این فضای فراهم می‌نماید. در این میان گروه‌های آسیب‌پذیر زیادی وجود دارند که می‌توانند قربانی مستقیم جرایم رایانه‌ای واقع شوند که در راس آنان می‌توان از کودکان نام برد.

کودکان به دلایل مختلف فردی و اجتماعی در معرض خطر و آسیب قرار می‌گیرند که در این مقاله به موارد مهم این آسیب‌ها و مخاطرات اشاره شد. در واقع در یک تقسیم‌بندی کلی و اجمالی عوامل در معرض بزه‌دیدگی واقع شدن اطفال را می‌توان به دو نوع عوامل شخصیتی و فردی و عوامل اجتماعی تقسیم بندی کرد. امروزه تاکید بر شخصیت فرد به خصوص کودک به دلیل آنکه شکل‌گیری آن در این دوران بسیار حیاتی است به شکل موکد وجود دارد. عواملی نظیر بلوغ زودرس، حس استقلال طلبی کودکان، تمایل به خروج از گروه و... مواردی است که آنان را در معرض بزه‌دیدگی و قربانی شدن قرار می‌دهد. در یافته‌های جرم‌شناسی و روان‌شناسی جنایی نیز بر این مهم تاکید می‌شود و از طریق توسل به روش‌های بالینی جرم‌شناسی و متد درمانی سعی در زدودن خطر بزه‌دیدگی از طریق روش‌های درمانی دارند؛ اما عوامل اجتماعی نیز اهمیت شایان توجه دارند به گونه‌های که بسیاری از جرم‌شناسان تاثیر عامل محیط را به عنوان یکی از عوامل اصلی بزه‌دیدگی هیچ‌گاه از یاد نبرده‌اند.

در این راستا با توجه به آنکه بزه‌دیدگی با توجه به عوامل مزبور شخصی و اجتماعی در محیط مادی و فیزیکی انجام نمی‌شود و محل رویداد آن فضای سایبر است این مهم مطرح می‌شود که چه راهکارها و پیشنهادهاتی برای پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر وجود دارد. به نظر می‌رسد با توجه به تقسیم‌بندی‌های کلی که از مقوله پیشگیری از جرم انجام شده است بتوان از تقسیم‌بندی پیشگیری به وضعی و اجتماعی بهترین استفاده را برد. مقوله‌های پیشگیری وضعی از جرم که شامل تغییر در محیط می‌شوند در خصوص تغییر در محیط برای

پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال هم شامل محیط مادی و هم شامل محیط سایبری می‌شوند. بدین معنا که می‌توان با تغییراتی در فضای مادی و محسوس موجب عدم دسترسی یا دسترسی دشوار کودکان به فضای سایبر شد و از طرف دیگر می‌توان با استفاده از نرم افزارها و سخت افزارهای موجود دسترسی کودکان به این فضا را محدود یا دشوار کرد. مقوله دیگر در پیشگیری وضعی محفوظ داشتن و در امان نگه داشتن کودکان از دید بزه‌کاران است که باز هم به واسطه ابزارهای فنی و تکنیکی می‌توان به این هدف دست یافت؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود بیش از آنکه محدود سازی بیش از اندازه برای اطفال ایجاد شود آنان را مصون از تعرض دیگران قرار دهیم.

مورد دیگر استفاده از روش‌های رشد مدار یا اجتماعی پیشگیری از بزه‌دیده شدن اطفال در فضای سایبر است. این روش که می‌توان آن را درمان قطعی بزه‌دیدگی اطفال تلقی کرد موجب تغییر موقتی در عدم تحقق بزه‌کاران به اهداف خود نیست و پس از اعمال آن می‌توان انتظار طولانی مدت برای تحقق پیشگیری از بزه‌دیدگی را در نظر داشت. اعمال این روش از طریق آموزش در دوران کودکی، آموزش از طریق گروه‌های همسال کودک و آموزش‌های خاص و عام اجتماعی در مدرسه و سایر محیط‌های آموزشی انتظار داشت. در مجموع استفاده از یک روش به عنوان پیشگیری کافی به نظر نمی‌رسد و پیشنهاد می‌شود در کنار آموزش‌های لازم به کودک در راستای پیشگیری رشد مدار از روش‌های وضعی پیشگیری نیز استفاده شود. کنترل عوامل هیجانی مربوط به شخصیت کودک نیز که به پیشگیری اجتماعی مربوط است از عوامل اساسی می‌باشند که باید بدان توجه شود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The rapid expansion of digital spaces has brought significant challenges, especially concerning child safety. One such critical area is the prevention of child victimization in cyber sexual crimes, a domain which demands both a sociological and criminological approach. Numerous studies emphasize the vulnerabilities children face in cyberspace, where conventional protective boundaries are no longer applicable (Ameli, 2016). This paper examines the factors leading to child victimization in cyberspace and explores preventive approaches, specifically situational crime prevention and social prevention, to mitigate these risks. The insights presented aim to guide both policymakers and caregivers in designing robust frameworks that protect children from becoming victims in an increasingly digitized world.

Digital advancements have transformed communication and lifestyle, presenting unique opportunities and complex dangers, particularly in child exploitation (Razavi, 2020). The risk of child victimization is compounded by factors such as early exposure to technology and insufficient monitoring by adults (Rabiei & Shaghasemi, 2016; Razavi, 2020). Research has demonstrated that prevention efforts must be multifaceted, combining legal measures with social and educational interventions. For example, Abed Khurasani (2020) discusses the psychological and social impacts

of digital victimization on children, highlighting the need for structured preventive mechanisms that address both cyber settings and physical environments where children may be at risk (Abed Khurasani, 2020).

In response to these risks, situational prevention measures have gained prominence. Situational prevention focuses on reducing opportunities for crime by modifying environmental factors, a strategy that has shown success in urban settings but faces unique challenges in cyberspace. According to Mirzaei (2015), situational crime prevention has been adapted for online use, where digital barriers, such as content monitoring systems and alert mechanisms, work to reduce children's exposure to harmful content. While these methods can decrease immediate risks, they are limited by the adaptability of online offenders who frequently find new ways to circumvent these measures, indicating the need for continuous updates and rigorous oversight (Mirzaei, 2015).

Moreover, the role of education and social prevention is increasingly recognized as vital for long-term solutions. Social prevention involves equipping children with the knowledge and skills necessary to navigate digital spaces safely. This approach emphasizes the importance of family and peer influence, with studies indicating that children educated in cyber safety within supportive networks are less likely to become victims (Mahdavi, 2021). Besharat and Shamsipour (2019) argue that early education programs that engage both families and schools are essential for building a child's resilience to online dangers, as these initiatives promote safe behavior through structured awareness programs that reach children at critical developmental stages (Besharat & Shamsipour, 2019).

The integration of legal frameworks with technological advancements is also crucial. As highlighted by Carey and Sanders (2019), laws addressing child protection in cyberspace require constant evolution to meet the challenges posed by digital crimes. Countries such as the UK have developed stringent laws that criminalize the distribution and creation of exploitative content involving minors, setting a precedent for other nations (Carey & Sanders, 2019). These laws, when enforced alongside technological tools, act as strong deterrents; however, the enforcement effectiveness depends on international cooperation and consistency in legal standards (Seyyed Isfahani, 2011). Collaborative efforts, such as global task forces, play a significant role in combating cross-border cybercrimes against children, a necessity emphasized in cases of international trafficking and exploitation documented by Noori (2020) (Noori, 2020).

In conclusion, preventing child victimization in cyberspace requires a multi-layered approach. The combination of situational and social preventive measures, supported by evolving legal frameworks and international cooperation, offers a holistic pathway to protect children in digital environments. Future research should focus on improving these integrated approaches by assessing their effectiveness and adaptability in real-time scenarios. By building upon existing frameworks and fostering a proactive, informed community, society can significantly reduce the risks associated with child victimization online, fulfilling a crucial need in the digital age.

References

- Abed Khurasani, M. (2020). *An Introduction to Child Rights*. Mizan Publications.
- Ameli, S. R. (2016). *A Dual-Space Approach to Injuries, Crimes, Laws, and Policies in Cyberspace*. Amir Kabir Publications.
- Besharat, M. A., & Shamsipour, H. (2019). *Effective Teaching: Efficient Teaching Methods*. Pegah Publications.
- Carey, P., & Sanders, J. (2019). *Media Law*. Miran Publications.
- Iravaniyan, A. (2020). *Child Abuse: From Causation to Response*. Khorsandi Publications.
- Mahdavi, M. (2021). *Crime Prevention*.



- Mirzaei, S. (2015). *Criminal Psychology*. Avaye Noor Publications.
- Navabinejad, S. (2015). Examining Family Counseling Centers in Iran and Comparing Them with Global Standards. *Family and Research Journal*(3).
- Noori, R. (2020). Pedophilia in Islamic Penal Law and International Law. *Dadgostar Monthly*(3).
- Rabiei, A., & Shaghasemi, E. (2016). Individual and Social Pathology of Virtual Relationships in Iran: A Qualitative Approach. *Social Welfare Research Quarterly*, 9(34).
- Razavi, M. (2020). Cyber Crimes and the Role of Police in Preventing Them. *Police Knowledge Quarterly*, 9(1).
- Seyyed Isfahani, S. H. a.-D. (2011). *The Role of Police in Preventing Juvenile Delinquency*. Mizan Publications.
- Shami, M. (2013). *An Introduction to Criminalization and Decriminalization*. Jungle Publications.
- Taha, F. (2011). *Examining Crime Prevention Congresses and Criminal Justice of the United Nations*. Mizan Publications.